



Research Paper

The Discourse of Ecocriticism in Darvishian's: *Abshoran* and *Hamrah-e-Ahanghaye-e- Babam*

Yousef Karamicheme

Assistant Professor, Department of Language and Literature, Faculty of Border Guards ,Amin Police University, Tehran, Iran., Corresponding Author,
(ykaramicheme@yahoo.com)

Hajar Hedayatizadeh

P.hd student of Persian language and literature(hedayatizadehajar@gmail.com)



10.22034/lda.2023.139628.1001

Received:

August,26,
2023

Accepted:

November, 4,
2023

**Available
online:**

December, 9,
2023

Keywords:

Discourse
analysis,
Ecocriticism,
Darvishian,
Abshuran,
*Along with My
Dad's Songs*

Abstract

Ecocriticism is an approach that has received attention in recent years in Iran. This theory examines how humans interact with the external environment; This method of interaction implicitly contains a special discourse that the writer or narrator conveys to the audience using the situational, verbal, historical, cultural, economic and social backgrounds of the story or incident. In this research, with a descriptive-analytical method, Ali Ashraf Darvishian's naturalist views in two collections of stories *Abshouran* and *Along with My Dad's Songs* have been investigated. In the realist works of Darvishian, nature is not considered the only place where incidents occur; Rather, as the background and the main ground of the story, it is the factor that drives the events and directly affects the characters and is also mutually affected by people and their decisions. The relationship between the two sides of nature and the life of the lower class had clearly influenced Darvishian. The main issue of this research is to investigate and analyze the meaning that can be seen in the two collections of stories; Therefore, under the headings of "Ideology and Discourse", "Discourse and Power" and "Destructive Discourses and Two-Sided Discourses", the relationship between nature and humans in the works of Darvishian is discussed. The interpretation of the mentioned cases shows that ecosystem and the ecological discourse have a great role in the formation of reality and its perception to exert power over the subordinate people.



مقاله پژوهشی

گفتمان بوم‌گرایی در آثار علی‌اشرف درویشیان (مطالعه موردی: مجموعه داستان‌های آبشوران و همراه آهنگ‌های بابام)

یوسف کرمی‌چمه

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم و فنون مرزبانی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران، نویسنده مسؤول، (ykaramicheme@yahoo.com)

هاجر هدایتی‌زاده

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (hedayatizadehajar@gmail.com)



10.22034/lda.2023.139628.1001

چکیده

نقد بوم‌گرایانه جزو نظریه‌های ادبی است که در چند سال اخیر در ایران مورد توجه قرار گرفته است. این نقد به بررسی چگونگی تعامل انسان با محیط‌زیست می‌پردازد؛ که این شیوه تعامل به صورت ضمنی، حاوی گفتمان خاصی است که نویسنده یا راوی با استفاده از بافت موقعیتی، کلامی و پیشینه تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی داستان یا حادثه‌ای، آن را به مخاطب انتقال می‌دهد. در این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی دیدگاه‌های بوم‌گرایانه علی‌اشرف درویشیان در دو مجموعه داستان «آبشوران» و «همراه آهنگ‌های بابام» پرداخته شده است. در آثار واقع‌گرایانه درویشیان، طبیعت تنها مکان بروز حوادث تلقی نمی‌شود؛ بلکه به عنوان بستر و زمینه اصلی داستان، خود عامل پیشبرد حوادث است و به طور مستقیم بر شخصیت‌ها اثر می‌گذارد و همچنین به طور متقابل تحت تأثیر انسان‌ها و تصمیمات آن‌ها قرار می‌گیرد. ارتباط دو سویه طبیعت و زندگی طبقه فرودست به نحو بارزی درویشیان را تحت تأثیر قرار داده بود. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل معنایی است که در دو مجموعه داستان آبشوران و همراه آهنگ‌های بابام در پیوند با طبیعت دیده می‌شود؛ بنابراین، ذیل عناوین «ایدئولوژی و گفتمان»، «گفتمان و قدرت» و «گفتمان‌های مخرب و گفتمان‌های دوپهلوی»، به ارتباط طبیعت با انسان در آثار درویشیان پرداخته شد. تفسیر موارد ذکر شده نشان از آن دارد که زیست‌بوم و گفتمان بوم‌گرایانه نقش بسیار زیادی در شکل‌گیری واقعیت و طرز تلقی آن، نام‌گذاری‌ها، ایدئولوژی و سلطه آن بر مردم فرودست دارد.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۸/۱۳

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۰۹/۱۸

واژه‌های کلیدی:

تحلیل گفتمان،

نقد بوم‌گرا،

درویشیان،

آبشوران، همراه

آهنگ‌های بابام.

استناد: کرمی‌چمه، یوسف و هاجر هدایتی‌زاده. (۱۴۰۲). «گفتمان

بوم‌گرایی در آثار علی‌اشرف درویشیان (مطالعه موردی: مجموعه

داستان‌های آبشوران و همراه آهنگ‌های بابام)». نشریه تحلیل گفتمان

ادبی، ۱ (۱)، ۱۲۹-۱۰۹.

۱. مقدمه و بیان مسأله

بررسی ارتباط متقابل انسان و محیط‌زیست جزو محورهای اصلی نقد بوم‌گرا "Ecocriticism" است؛ در این نوع نقد، نحوه نگرش انسان به طبیعت و چگونگی بازتاب مسائل زیست‌محیطی در آثار ادبی بررسی می‌شود. پژوهشگران همچنین تأثیری را که انسان بر طبیعت و طبیعت بر ویژگی‌های فیزیکی و روانی انسان دارد، مورد واکاوی قرار می‌دهند تا با در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی، به بهبود نگرش انسان به طبیعت و در پی آن، اصلاح رفتار بشر با طبیعت بپردازند. به عبارت دیگر، پژوهش تحلیل گفتمان بوم‌گرا به دنبال تحلیل نحوه تعامل طرفین گفت‌وگو به اقتضای بافت‌های اجتماعی، تعامل مکالمه‌ای، موقعیت‌های مکانی، زمانی، اقتصادی و... و تأثیر تمام این موارد بر محیط‌زیست است.

تحلیل گفتمان بوم‌گرایی در این پژوهش، در پی کندوکاو و ارتباط بین مؤلفه‌های زبانی با پدیده‌های زیست‌محیطی است. «پیوند میان محیط‌زیست و زبان، براساس چگونگی رفتار انسان‌ها با یکدیگر و با جهان طبیعت، تحت تأثیر افکار، مفاهیم، ایده‌ها، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌ها می‌باشد، که همه به‌وسیله زبان شکل می‌گیرند» (استیی، ۱۳۹۵: ۱۳).

با توجه به آن‌که هر نویسنده‌ای از منظر خاصی به مباحث و موضوعات اطراف خود می‌پردازد و از هر موضوعی بر اساس چشم‌انداز بخصوصی که دارد، معنای ویژه‌ای عرضه می‌کند؛ بنابراین، در بررسی آثار ادبی می‌توان به تحلیل چشم‌اندازها پرداخت. این تحلیل‌ها می‌تواند حقایق جالب‌توجهی از ایدئولوژی‌ها، فردیت‌ها، نگرش‌ها و... را به دست دهد. درویشیان از نویسندگان معاصر داستان‌نویسی غرب کشور به‌شمار می‌رود که عمده مضامین داستان‌هایش را از زندگی و اوضاع اجتماعی عصر خویش برگرفته است. او زبان حال مردم روزگارش است و با بیان ویژه و از منظر خاص خویش به حال و روز مردم پرداخته است. تجربه زیسته او در کار نویسندگی‌اش بسیار تأثیرگذار بوده است. وی سعی کرده در قالب رئالیسم سیاه و با برجسته کردن، بدی‌ها و جنبه‌های منفی زندگی و اجتماع به انتقاد از وضع موجود بپردازد. طرح اصلی این پژوهش بر تحلیل نقش و جایگاه بوم در بر ساخت گفتمان حاکم بر آثار داستانی درویشیان (با تکیه بر دو مجموعه داستان آبشوران و همراه آهنگ‌های بابام) استوار است.

در رویکرد نقد بوم‌گرا همچون بسیاری دیگر از رویکردهای نقد ادبی، این نکته حائز اهمیت است که متن ادبی فقط یک متن زیبایی‌شناسانه نیست و از خلال آن می‌توان

مباحث و مفاهیم مهم و مختلفی در پیوند با طبیعت، فرهنگ، سیاست، تاریخ، اجتماع و... بیرون کشید؛ بنابراین، خوانش بوم‌گرایانه از متنی داستانی که پیش‌تر بر اساس خوانش‌های دیگر بررسی و تحلیل شده است و نشان‌دادن اینکه متن ادبی، بسته نیست و می‌توان از آن مفاهیم دیگری نیز به‌دست آورد، از ضرورت‌های انجام این پژوهش به‌شمار می‌آیند.

۲. پیشینه پژوهش

درباره نقد بوم‌گرا و در پیوند با موضوع موردنظر پژوهش حاضر، پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قاسم سالاری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی نقد بوم‌گرایانه داستان‌های علی‌اشرف درویشیان» با ادعای نقد بوم‌گرایی به بررسی آثار درویشیان پرداخته‌اند. نویسندگان مقاله، بین بوم‌گرایی با ادبیات اقلیمی تفاوت و تمایزی قائل نشده و این دو را دقیقاً مترادف و هم‌معنا در نظر گرفته‌اند. نتایج مقاله نیز جز توصیف چند عنصر اقلیمی، نکته درخور توجهی ندارد. وجه تمایز پژوهش حاضر با مقاله مذکور، جدا از کشف گفتمان بوم‌گرایی دو مجموعه داستان آبشوران و همراه آهنگ‌های بابام، تحلیل گفتمان‌ها نیز می‌باشد؛ نکته‌ای که در مقاله مذکور هیچ اشاره‌ای به آن نشده است.

- نویسندگان مقاله بالا، پیش‌تر و در سومین همایش ملی نظریه و نقد ادبی (۱۳۹۴)، مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های اقلیمی در آثار علی‌اشرف درویشیان» چاپ کرده‌اند که از نظر ساختار، بخش‌بندی‌ها، نتایج و جز اینها شباهت بسیاری با مقاله بالا دارد.

- زهرا رستمی در پایان‌نامه خود با عنوان «بومی‌گرایی در آثار نویسندگان کرمانشاهی با تکیه بر سه اثر از علی‌محمد افغانی، علی‌اشرف درویشیان و منصور یاقوتی»، ادبیات اقلیمی و ویژگی‌ها و مختصه‌های مناطق مختلف در برساخت آثار ادبی را بررسی کرده است. در پژوهش وی، بومی‌گرایی مدنظر است نه بوم‌گرایی در معنای طبیعت‌نگاری و طبیعت‌نویسی به اشکال مختلف یا بازنمایی طبیعت در آثار ادبی.

- طاهره کوچکیان در پایان‌نامه خود با عنوان «نقد، بررسی و مقایسه شوهر آهو خانم و سال‌های ابری»، به جنبه‌های ناتورالیستی سال‌های ابری اثر درویشیان پرداخته است و تصاویر ناتورالیستی را در این داستان، هشداردهنده و آگاه‌ساز دانسته است.

- عبدالحسین شهبازی در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی عناصر اقلیمی در رمان‌های شوهر آهو خانم، سال‌های ابری و ورچم» به بررسی و معرفی عناصر اقلیمی و ذکر نمونه‌هایی از متن داستان‌ها پرداخته و زمینه انعکاس و بازتاب مسائل فرهنگی و صیغه‌های اقلیمی و بومی را بررسی کرده است.

- رضا صادقی شهپر در رساله خود با عنوان «ادبیات اقلیمی در داستان‌های معاصر ایران، از مشروطه تا انقلاب اسلامی»، داستان‌های اقلیمی را بازتاب‌دهنده عناصر و ویژگی‌های اشتراکی، چون آداب و رسوم یک منطقه جغرافیایی و باورها و فرهنگ می‌داند و به معرفی پنج اقلیم داستان‌نویسی شمال، جنوب، غرب، شرق و آذربایجان می‌پردازد و در این معرفی با نگاهی سطحی به ویژگی‌های اقلیمی داستان غرب مانند طبیعت، محیط بومی، صورخیال اقلیمی، مکان‌ها و مناطق بومی، زبان و گویش‌های محلی، واژگان محلی و... پرداخته است.

۳. چهارچوب نظری پژوهش

گفتمان «در ساده‌ترین شکل، همان زبان به‌علاوه بافت است. منظور از بافت همان چیزی است که شامل تجربه‌ها، فرضیات و انتظارات ماست» (وودز، ۱۳۹۶: ۱۴). استوارت هال تعریف فوکو از گفتمان را این صورت خلاصه کرده است «گروهی از گزاره‌ها که زبان را برای گفتگو درباره روشی برای بازنمایی و ارائه دانش پیرامون موضوعی خاص، با لحظه تاریخی خاصی فراهم می‌کنند... گفتمان درباره تولید دانش از طریق زبان است؛ اما از آنجاکه تمامی پراکتیس‌های اجتماعی با معنا سروکار دارند و معانی، آنچه را که ما انجام می‌دهیم، شکل می‌دهند و بر آن تأثیر می‌گذارند، تمام پراکتیس‌ها وجهی گفتمانی دارند.» (هال به نقل از تیلور، ۱۳۹۷: ۳۹).

می‌توان گفت که گفتمان دارای سابقه‌ای دیرین است که در موقعیتی خاص و قبل از کاربرد زبان، موجود بوده است. جیمز جی در تعریفی که از گفتمان ارائه می‌دهد، آن را محدود به زبان نکرده، بلکه عنصر غیرزبانی همچون ارزش‌ها و باورها، موقعیت‌های بدنی، شیوه‌های عمل کردن و... را نیز شامل آن می‌داند. «هر گفتمانی در یک جامعه از سوی گروهی از مردم که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی، شناخته شده هستند، تصاحب و مدیریت می‌شود. این افراد به‌عنوان اعضای آن گفتمان پذیرفته شده‌اند، نقش‌های گوناگونی را بازی می‌کنند و در درون آن کنش‌های گوناگونی را ایفا می‌کنند. هر گفتمانی متضمن شیوه‌های مختلف صحبت کردن، عمل کردن، تعامل، ارزش‌گذاردن و باورداشتن و همچنین تکیه‌گاه‌های کالبدی و مادی است که گروه از آنها برای انجام پراکتیس‌های اجتماعی کمک می‌گیرد. گفتمان کلمات، اعمال، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، هویت‌های اجتماعی و نیز حرکات سر و دست، نگاه‌ها، موقعیت‌های بدنی و لباس‌ها را در هم ادغام می‌کند.» (جیمز جی به نقل از تیلور، ۱۳۹۷: ۴۱).

تحلیل گفتمان نیز به «رویکردی پژوهشی اطلاق می‌گردد که در آن مطالب زبانی مانند گفت‌وگو یا متون مکتوب و گاهی نیز مطالب دیگر، در مجموع، به‌عنوان سندی برای پدیده‌هایی فراتر از فرد به‌حساب می‌آید.» (تیلور ۱۳۹۷: ۱۸). پالتریچ، تحلیل گفتمان را چنین تعریف می‌کند: «دانش زبانی فراتر از واژه، بند، عبارت و جمله که برای ایجاد یک ارتباط موفق ضروری می‌نماید. این رویکرد به بررسی الگوهای زبانی درون‌متن و نیز ارتباط میان زبان و بافت‌های اجتماعی و فرهنگی که متن در بستر آن‌ها به‌کار می‌رود، می‌پردازد» (پالتریچ، ۱۳۹۶: ۱۴).

نقد بوم‌گرا «به زبان ساده، مطالعه رابطه بین ادبیات و جهان طبیعت است» (گلوتفلی به نقل از پارساپور، ۱۳۹۲: ۱۵). ارتباط ادبیات با محیط‌زیست و دنیای طبیعت و بررسی و پژوهش درباره آن، در حقیقت همان نقد بوم‌گرا است. اصطلاح «نقد بوم‌گرا» را ویلیام روکرت در سال ۱۹۷۸ و در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات و بوم‌شناسی؛ تجربه‌ای در نقد بوم‌گرا» به‌کار برد. پس از وی، نظریه‌پردازانی مانند چریل گلوتفلی، هارولد فروم، آبرامز و هارفام، نیل سملز، ریچارد کریچ و دیگران در این حوزه تحقیق و تفکر کردند.

در نقد بوم‌گرا، فرهنگ و امدار طبیعت است و این نوع نقد، اهمیت زمین را یادآوری می‌کند. «نقد بوم‌گرا با بیان بدهکاری فرهنگ به طبیعت، کره خاکی را به یاد می‌آورد. منتقدان بوم‌گرا با اعتراف به نقش زبان در شکل‌دهی دیدگاه انسان‌ها نسبت به این جهان، به‌دنبال بازگرداندن اهمیت به جهان خارج از متن هستند. به‌ویژه آن‌که سعی می‌کنند تا جهان طبیعت مافوق بشر را دوباره ارزش‌گذاری کنند. جهانی که برخی متون و سنت‌های فرهنگی، ما را برای شرکت در آن فرا می‌خوانند» (پارساپور، ۱۳۹۲: ۴۸). وقتی واژه نقد را به بوم‌گرایی اضافه کنیم درصدد دفاع از بوم برآمده‌ایم و در حقیقت، دنبال آن هستیم که از دیگری در مقام امری که نادیده گرفته شده است، دفاع کنیم «نقد بوم‌گرا، نوعی حمایت از دیگری است که احساس می‌شود توانایی دفاع از خود ندارد... ادعای ساکت بودن طبیعت به‌خوبی گویای عدم تمایل انسان به شنیدن است نه ناتوانی طبیعت در بیان» (همان: ۶۴).

این نظریه، نقش مطلوب و مؤثری در مطالعه و بررسی آثار ادبی دارد؛ چراکه ارتباط و پیوندی را که بین انسان و فرهنگ او با طبیعت وجود دارد، برجسته می‌کند. «ما و کشور ما همدیگر را می‌سازیم، هریک به دیگری وابسته‌ایم و به معنی واقعی، بخشی از یکدیگریم ... فرهنگ ما و مکان ما همدیگر را شکل می‌دهند و از یکدیگر قابل تفکیک نیستند هویت یا درک ما از خویش‌ن شدن برای مثال با مکان خاصی که در آن زندگی می‌کنیم، شکل می‌گیرد، جایی که احساس می‌کنیم به آن تعلق خاطر داریم و خانه

ماست» (به نقل از پارساپور، ۱۳۹۲: ۹۹). ارزش و برجستگی این نقد در جهان فیزیکی است و همه گونه‌های ادبی در حوزه مطالعاتی آن قرار می‌گیرند. «در قلمرو ادبی کوشش می‌شود شأن و جایگاه نوشتار طبیعت و مشخصات بومی و داستان‌های محلی ارتقاء داده شود و این عناصر که قبلاً به آن‌ها بها داده نمی‌شد در کانون ادبیات قرار بگیرند. ناقدان بوم‌گرا به دنبال نگاه‌های متنوع به طبیعت هستند؛ نگاه‌هایی که برخاسته از تنوع فرهنگی و تنوع اقلیمی است و در ادبیات ملل مختلف متجلی شده است، ژانر نوشته‌های طبیعت از این‌رو برای آنها اهمیت دارد که نویسنده، تجربه مستقیم و شخصی خود را از طبیعت بیان می‌کند و دیگر از طبیعتی سخن نمی‌گوید که خود در عالم خیال، آن را ساخته است» (همان: ۱۰۰).

در نزد بوم‌گرایان، مکان و موقعیت در شکل‌گیری وقایع داستان اهمیت بسزایی دارند. ناقدان بوم‌گرا به لحاظ فرهنگی یا طبیعی‌بودن، مکان‌ها را به چهار دسته «طبیعت بکر، مناظر باشکوه و دیدنی، حومه و نواحی روستایی و دیدنی‌های درون شهری»، البته نه به معنای تعیین مرزی نفوذناپذیر تقسیم‌بندی می‌کنند. این تقسیم‌بندی که بیانگر اهمیت مکان در شکل‌گیری انواع آثار ادبی است، در بعضی از داستان‌ها موضوعیت پیدا کرده و نقشی اساسی و محوری در ایجاد حادثه ایفا می‌کند. سه نوع تقسیم‌بندی کشمکش میان دو فرد، فرد با خودش و با طبیعت وجود دارد که منجر به ایجاد حادثه می‌شود. در کشمکش میان فرد و طبیعت به‌نوعی طبیعت در مقابل انسان قرار می‌گیرد و در داستان‌هایی که در این زمینه شکل می‌گیرد، نقش اصلی داستان برای اثبات هویت و بقای خویش بالاجبار باید با بخشی از طبیعت یا پدیده‌ای طبیعی دست‌وپنجه نرم کند. در دیدگاه نقد بوم‌گرا، اینکه کدام علت، انسان را در مقابل طبیعت قرار می‌دهد و در این مواجهه آیا می‌شود به‌گونه‌ای عمل کرد که طبیعت کمترین آسیب را ببیند موارد بسیار مهمی محسوب می‌شوند (همان: ۱۱۸-۱۱۶). ساخته و پرداخته کردن ملاحظات زیست‌محیطی و چگونگی شکل‌گیری آن، در مطالعات نقد بوم‌گرا در متن‌های ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرند. «نقد زیست‌محیطی به ایجاد روابط معنادار میان خودآگاهی محیطی و زیبایی‌شناسی هنری و ادبی می‌پردازد» (سلیمی کوچی، ۱۴۰۱: ۲۶). گفت-وگو درباره میزان اهمیت بوم نقد به این می‌ماند که در پی اثبات لزوم ادامه حیات آدمی باشیم. «ایجاد گفتمان طبیعت‌محوری در ادبیات سبز می‌تواند تلنگری باشد به باورهای پیشین ما در باب کلان‌ترین مقولات هستی، طبیعت تنها و تنها نقطه پیوند دیرپای آدمی با جهان و آدمی با آدمی است. ادبیات سبز به ما می‌گوید که باید این بار در

برخورد با زمین، رفتار دیگری پیشه کنیم و ادبیاتی به مخاطبان عرضه کنیم که بیشتر به سود زمین باشد، و بتواند در بلندمدت، نگرش‌ها، بینش‌ها و چه‌بسا علم و فن‌آوری را زمینی‌تر کند» (همان: ۱۲۹).

بنابراین گفتمان بوم‌گرایی ناظر به معنایی است که در بافت معینی و بر اساس پیوند و ارتباط متن (در اینجا متن ادبی) با طبیعت شکل می‌گیرد.

۴. بحث و بررسی

۴-۱. معرفی کتاب‌ها

۴-۱-۱. آبشوران

مجموعه داستانی است که دوازده داستان کوتاه (با عناوین خانه ما، ماهی‌ها و غازها، باغچه کوچک، دو ماهی در نقلدان، بیالون، بیماری، حمام، بی، ننه جان چه شده؟، عمو بزرگه، صلح، و آب‌پاش) را در برمی‌گیرد و نخستین بار در سال ۱۳۵۳ منتشر شد. قصه‌ها از زبان شخصیتی به نام اشرف روایت می‌شود و درویشیان با نگاهی واقع‌گرایانه بر زندگی آدم‌های فرودست تمرکز کرده و به مسائلی نظیر مشکلات اقتصادی، فقر، بی‌سوادی، خرافه‌پرستی و... پرداخته است. داستان‌های این کتاب درواقع تجربه زیسته نویسنده از زندگی در محله «آبشوران» شهر کرمانشاه است.

۴-۱-۲. همراه آهنگ‌های بابام

همراه آهنگ‌های بابام شامل شش داستان کوتاه (با عناوین همراه آهنگ‌های بابام، ظلم‌آباد، مادر نمونه من، یاره، و سحر در رسید) است که نخستین بار در سال ۱۳۵۷ منتشر شد. قصه‌ها از زبان کودک روایت می‌شوند؛ اما داستان را نباید در رده داستان‌های کودک قرار داد و درویشیان را از این منظر باید ادامه‌دهنده راه صمد بهرنگی دانست. توجه به مسائل و مشکلات مردمان فرودست و ندار جامعه، همچون مجموعه آبشوران، خمیرمایه اصلی داستان‌هاست.

درمجموع، آبشوران و همراه آهنگ‌های بابام، روایت‌هایی هستند از زندگی طبقه ضعیف جامعه نویسنده و دوران سخت کودکی وی همراه با چاشنی نقد در آن برهه زمانی. هردو مجموعه با زاویه دید اول شخص و گاه دانای کل، در مروری خاطره‌وار، با زبانی عامیانه و همه‌فهم، بدون ابهام و تعقید در قالب موضوع و نام‌هایی که برای حکایت‌های خود در این دو اثر برگزیده است، مخاطب را با خویش همراه می‌سازد و با بهره‌گیری از

بوم، همگام با ذوق ادبی، فقر، بی‌عدالتی، دشواری زندگی افراد در جایگاه و طبقهٔ فرودست در قیاس با طبقهٔ فرادست... در یک فضا سازی استادانه و در هماهنگی با فضا، محیط، شرایط زندگی کنشگران را به تصویر می‌کشد.

۴-۲. ایدئولوژی و گفتمان

به عقیدهٔ آلتوسر «ایدئولوژی، روابط انواع بشر با جهان واقعی، یا دریافتشان را از شرایط واقعی هستی بازنمایی می‌کند» (آلتوسر به نقل از کرمانی و دلاوری، ۱۳۹۵: ۱۲۱). و گفتمان «روشی معیار بوده که گروه‌های خاصی در جوامع با استفاده از زبان، تصویر و دیگر شکل‌های بازنمایی، آن را می‌سازند» (استیسی، ۱۳۹۵: ۴۳). آلتوسر هر عمل و کرداری را فاقد موجودیت می‌داند «مگر این‌که از طریق ایدئولوژی و در آن باشد» (آلتوسر به نقل از کرمانی و دلاوری، ۱۳۹۵: ۱۲۱). در پس گفتمان‌های هر داستان و روایتی دست‌کم یک ایدئولوژی نهفته است. همچنان‌که درویشیان در قسمتی از مجموعه داستان همراه *آهنگ‌های بابام* برای بیان مقصود خویش با بهره‌گیری از دنیای طبیعت، گریزی به قصهٔ ماهی‌سیاه کوچولو می‌زند؛ زیرا «در قصه‌ها، محیط‌زیست، امری ثابت و معین است و در فرایند روایت، نقشی بنیادین برعهده دارد. حضور طبیعت در قصهٔ حضوری نجات‌بخش، یاریگرانه و عنصری همه‌جا حاضر است» (خراسانی و داودی مقدم، ۱۳۹۸: ۸۲).

درویشیان، ایدئولوژی مشترکی میان معلم، روایت خود و ماهی سیاه‌بهرنگی می‌یابد: «داداش بزرگم یعنی داداش محسن را که تازه معلم شده بود، نصفه‌شب بردند. هفت ماه تمام او را ندیدم و مادرم مثل دیوانه‌ها شده بود و صبح تا شب به این طرف و آن طرف می‌دوید [...] سالی دوسه بار به ملاقاتش به تهران می‌رویم [...] من قصه‌های صمد‌بهرنگی را که داداشم برایم خریده برای مادرم می‌خوانم و او خوشش می‌آید. مادرم دلش برای ماهی‌سیاه می‌سوزد و برایش غصه می‌خورد» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۵۲). در هردو داستان، شخصیت‌ها و قهرمانان اصلی برای مردم و به خاطر آنها از منفعت خود گذشته‌اند. «نفی محیط محدود زندگی و تلاش برای یافتن راهی برای تغییر آن توسط ماهی‌سیاه کوچولو، آشکارا از اندیشهٔ طغیان علیه وضع موجود اجتماعی حکایت دارد.» (امن‌خانی و خوجه، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

این داستان نمادی از باورها و ایدئولوژی‌های مبارزه در دوران خود است؛ زیرا در تدوین اثر «نگرش شخصی و ذهنیت هستی‌شناختی، ارزش‌ها، تلقی‌ها، باورها، احساسات و پیش‌داوری‌های زمانهٔ وی [نویسنده] به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه نمودار

می‌شود» (سمیعی، ۱۳۸۸: ۲۰۸). بنابراین «ایدئولوژی هم در مقام اعتراض و هم در مقام توجیه و هم در مقام دفاع جلوه می‌کند» (همان: ۲۱۲). قهرمان داستان درویشیان، معلم و اهل کتاب است و تفکر و ایدئولوژی او با ماهی سیاه همراهی می‌کند. براین اساس، درویشیان «با نیروی تخیل آن‌ها را در پیوندی با هم قرار داد که معنایی را برساند [...] که غایت آن توضیح وضعیت اکنون است [...] زیرا متن ایدئولوژیک بر ارزش‌ها و عقاید جمعی پافشاری می‌کند» (همان: ۲۵-۲۳۰). و خالق ماهی سیاه هم، خود معلم بوده و «به دردها و رنج‌های مردم روستاها و طبقات ضعیف که با مرام توده‌ای او هم‌سو بوده توجه داشته [...] با وجود این که شخصیت‌های اصلی داستان‌های او غالباً کودک یا در هیأت کودکانه هستند، اغلب برآمده از زیست‌جهان زندگی فکری و مبارزاتی خود بهرنگی و آینه‌ای برای بازنمایی خود اوست» (قاسم‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۶). ماهی سیاه در درون جویبار با شجاعت می‌خواهد دریا را بیابد. می‌خواهد بداند انتهای جویبار کجاست و دیگر توان ماندن در این جای تنگ و تاریک را ندارد و برای وی به‌مثابه بند است. با مخالفت‌های عوام و اطرافیان خود روبه‌رو شده و با آنها می‌جنگد و عقب‌نشینی نمی‌کند. همان‌گونه که در *آهنگ‌های بابام*، پدر قصه در اثر ترس و جهل به فرزندانش می‌گوید: «کتاب نخوانید و پیش مردم هرچه از دهانتان بیرون می‌آید نگوئید. چون مثل داداش برسران می‌آید» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۵۲). «و این بدان معنا است که مردم در آن گفتمانی که حاکم است هیچ خواسته‌ای در تضاد با چهارچوب قدرت ندارند (یا اگر دارند جرأت ابراز ندارند) و آنچه را در آن جامعه تثبیت شده است بدون هیچ مخالفتی پذیرفته‌اند [...] اگر مخالفتی نیز از جانب کسی روی دهد، آن را نوعی انحراف و ناهمگونی با جامعه می‌پندارند که باید در راستای روند رایج بازگردانده شود» (حسن‌پور و خسروی شعبانی، ۱۴۰۱: ۲۸۴)؛ اما کودک قصه چون ماهی سیاه بر ترس فائق می‌آید «کتاب را خیلی دوست می‌دارم [...] از پاسبان‌ها و افسرها می‌ترسم [...] اما داداشم را که می‌بینم یک چیزهای خوبی در توی چشم‌هایش هست که من دیگر از هیچ‌کس نمی‌ترسم» (همان: ۵۲).

در حقیقت معلم و ماهی سیاه هر دو به دانستن و استقامت فرا می‌خوانند. با مطلوبی معنوی به‌سوی اقدامی انقلابی گام برمی‌دارند. سوی دیگر قصه، مادر است «من قصه‌های صمد بهرنگی را که داداشم برایم خریده برای مادرم می‌خوانم و او خوشش می‌آید. مخصوصاً خیلی دلش برای ماهی سیاه می‌سوزد و گاهی هم که پول نداریم و نمی‌توانیم به ملاقات داداش برویم مادرم برای ماهی سیاه گریه می‌کند» (همان). مادر با شنیدن

داستان، خود را مادر ماهی سیاه و فرزند اسیرش را خود ماهی سیاه تصور کرده و به همذات‌پنداری می‌پردازد «نقش بوم‌شناختی فرد، آن چیزی است که او با آن همذات‌پنداری می‌کند» (نآس به نقل از بنسون، ۱۳۸۲: ۳۶) که ناشی از یک حس مشترک است درواقع «تبدل، شدن و تکامل، فرایندی است که بهرنگی از قهرمان داستان خود برمی‌گزیند که سبب تحریک مخاطب و تحرک ذهنی وی گشته و آن‌ها را به همذات‌پنداری و می‌دارد» (قاسم‌زاده، ۱۳۹۵: ۵۶). و همان‌گونه که بنسون اشاره می‌کند «همذات‌پنداری ناظر بر تجربیات اشتراک با همه چیزهایی است که از طریق درک ریشه‌دار این واقعیت صورت می‌گیرد که ما و تمام هویت‌های دیگر، جنبه‌های یک واقعیت یگانه‌ایم که به جلوه در می‌آید [...] این همذات‌پنداری شخص از فرد و همه هویت‌هایی که به لحاظ روانی و اغلب فیزیکی از همه به او نزدیک‌تر هستند، شروع و راه خود را به طرف بیرون و حس اشتراک با سایر هویت‌ها باز می‌کند» (بنسون، ۱۳۸۲: ۳۰۹-۳۱۲).

نکته قابل‌ذکر دیگر «پیوندی است که نویسنده میان بی‌نظمی موجود در فرهنگ و سیاست و با بی‌نظمی که طبیعت (در داستان ماهی سیاه و در درون جویبار) ایجاد کرده است [برقرار می‌کند]» (پارساپور، ۱۳۹۵: ۸۵). بهرنگی جویبار را مکان شروع برخاستن و اعتراض قرار داده، هدف قهرمان یافتن انتهای آن است یعنی دریا، و دریا یعنی اتحاد جویبار، رود و... . درویشیان هم از طریق معلم به دانستن و آگاهی فرا می‌خواند. هردو دعوت به مقاومت می‌کنند. دنیای حیوانات و عناصر طبیعت برای نویسنده و شاعر در هر زمانی مأمنی است برای بیان افکار و ایدئولوژی‌هایی که توان ابراز و بیان آن را به‌روشنی ندارد یا «آنچه را که نباید به‌طور واضح گفته شود» (باشلار، ۱۳۹۴: ۶۰). در این صورت، چون آواره‌ای بی‌پناه به آن پناهنده می‌شود. درویشیان نیز به دریا و جویبار متوسل می‌شود چراکه «دریا قبل از آنکه رؤیاپرور باشد، قصه‌پرور است» (همان: ۲۳۲).

درویشیان می‌گوید که کسی (معلم) در شهرستان اسیر شده اما زندان او در تهران است و تهران، نماد مرکزگرایی و قدرت بوده و در اینجا قدرت، یک فرد روشنفکر (معترض) را گرفتار کرده است. فردی که نویسنده و دارای تفکری سیاسی است و به همین جرم هم اسیر است نه چیز دیگر، درست مثل بهرنگی نویسنده ماهی سیاه؛ اما دلیل درویشیان برای گریز به این داستان چیست؟ چون ماهی سیاه می‌خواست دنیا را تغییر دهد و جویبار برای وی «موقعیتی را برای تخیلی باز و گشوده فراهم می‌کند [...] موقعیتی را برای ایده‌آل کردن القاء می‌کند» (همان: ۳۹). و بعد از آن جویبار دیگر با

«هویت تازه‌ای که قهرمان بدان دست یافته است، در این مکان و با این فضا تناسبی ندارد» (حسن پور و خسروی شعبانی، ۱۴۰۱: ۲۸۴). ماهی سیاه دنبال حقیقت رفت همان‌گونه که کتاب، در داستان درویشیان، حقیقت است و معلم با استفاده از آن و با تشویق به خواندن کتاب دست به مبارزه زده است علیه نادانی و وضعیت فکری حاکم بر آن دوران و در نتیجه به بند کشیده می‌شود درست مثل ماهی سیاه که چندبار گرفتار می‌شود. ماهی سیاه در حقیقت برای نجات کسان دیگر آمده و خود فدا می‌شود «فداکاری برای یک فرد جاندار هزینه دارد؛ اما به سود دیگران است [...] رفتار او کمکی به بقای خودش نمی‌کند اما به سود هموعانش تمام می‌شود» (عکاشه، ۱۳۹۹: ۱۱۱) و کمترین آن، این است که دیگران را از خطر آگاه می‌کند. مادر قصه درویشیان، ماهی سیاه را نماد پسر خود می‌داند برای همین راوی می‌گوید «مادرم دلش برای ماهی سیاه می‌سوزد و برایش غصه می‌خورد». درویشیان با پیوند دنیای معلم و فضای فکری وی با دنیای ماهی سیاه بهرنگی، ناگواری‌ها، تنگدستی‌های مادی و اندیشگانی و نابرابری‌ها را تصویر کرده و به بیان آن‌ها می‌پردازد (قاسمی پور و آذرپناه، ۱۳۹۴: ۶۵). و «تراکم عناصر ایدئولوژیک در تولید یک متن یا تفسیر آن، نشان از تعلق متن به یک گروه اجتماعی یا گفتمان خاص دلالت دارد» (سمیعی، ۱۳۸۸: ۲۱۴).

۳-۴. گفتمان قدرت

در قالب گفتمان قدرت، به عبارتی به نام خشونت اکولوژیکی علیه زن برخورد می‌کنیم؛ خشونت بوم‌شناختی یا اکولوژیک علیه زنان به صورت پنهان و ضمنی، اشاره‌ای است به یکی از صورت‌ها و اشکال تندی و خشونت در برابر زنان که نتیجه و پیامد مشکلات زیست‌محیطی و تخریب طبیعت و محیط‌زیست است و غالباً تحت لوای گفتمان قدرت مردان و فرهنگ تک‌صدایی پوشیده است. شاید این پرسش به ذهن بیاید که چه ارتباطی میان محیط، فضا، طبیعت و مشکلات مربوط به آن‌ها با فزونی خشونت بر ضد بانوان دارد. حاکم بودن نظام ارباب‌رعیتی در گذشته، نبود زمین برای کشاورزی به سبب بهره‌کشی فراوان و فقر خاک و یا تبدیل آن به سکونتگاه به دلیل ازدیاد جمعیت و مهم‌تر از همه نگاه سلطه‌جویانه و صدای مردسالارانه به زن در مقام دیگری، از جمله مهم‌ترین دلایل و انگیزه‌ها برای بروز این‌گونه خشونت در برابر زنان باشد و «نقش زن در حاشیه زندگی مردان معنا می‌یافته است» (پارساپور، ۱۳۹۵: ۹۱).

درویشیان در قالب مثال‌ها و گفتمان‌های متعددی در دو مجموعه داستان *آبشوران* و *همراه آهنگ‌های بابام*، به بیان این مطلب می‌پردازد. در بیشتر شواهد، به دلیل تغییرات و

دست‌اندازی انسان در محیط و نبود امکان بهره‌وری از زمین و در نتیجه شهرنشینی و ناتوانی مکان در ایجاد فرصت شغلی مناسب برای ساکنان خود، به‌ویژه مردان در نتیجه تأثیر مخرب زیست‌بوم ناتوان، بر شرایط روانی و روحی شخصیت مرد مشهود است که توسل به خشونت مردان در مقابل زنان است؛ و زنان مجبور به اشتغال خانگی با شرایط سخت و دستمزد ناچیز می‌شوند و این خود روی دیگر خشونت است.

«و او از سوراخ پشت‌بام صدای هورۀ دلگیر مادرش را می‌شنید، آوازی که همیشه دل او را به درد می‌آورد. یک‌بار هم از همان سوراخ که نوری برای اتاق می‌برد، مادرش را دید که پشت داریست قالی نشسته بود و با انگشتان لاغر و کمر خمیده به کار مشغول بود. این را هم می‌دانست که پنج ماه تمام بود که مادرش روی آن قالیچه کار می‌کرد. کاری که مزدش را هم قبلاً خورده بودند» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۲۸).

«کاش می‌شد این خرجی دست بابام نبود. اگر مادرم گیوه نمی‌بافت، اگر رخت نمی‌شست، اگر کشمش پاک نمی‌کرد، معلوم نبود آن وقت چه می‌شد» (همان: ۵۶).

«من و اکبر با دختر همسایه که از زیر چادرش بوی خوبی می‌آید و پشت ناخن‌هایش از چیدن کلاش ریش‌ریش شده بود قمچان می‌کردیم» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۱۳).

تخریب طبیعت و بهره‌وری نامناسب از آن و در نتیجه عدم امکان کشاورزی و دامداری، تبعات آن را به‌سوی بانوان باز می‌گرداند. «زنان کشورهای فقیر، با ظالمانه‌ترین شرایط، فقر را به دوش می‌کشند که شامل انجام سخت‌ترین و پست‌ترین کارها نیز می‌گردد. به‌علاوه آنها از تحقیر ناشی از موقعیت پست زندگی‌شان رنج می‌برند» (مشهدی و کرمی، ۱۴۰۱: ۱۷۹).

بدون شک هر نوع لطمه و زیانی به محیط‌زیست و زیست‌بوم به هرصورت و از هر راهی، بازخورد منفی آن، به‌سوی زنان است و «وجود نابرابری‌های طبقاتی همچنان آنان را به مشاغل خاص و کم‌درآمد و نامطمئن و همراه فشار مضاعف خانه‌داری سوق می‌دهد» (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۸۳).

«همه جا پر از دود و آتش می‌شود [...] مردم به دکان می‌ریزند و بابام و عیسی را که سر و رویشان خون‌آلود است و بخار و دود از آنها بلند می‌شود، روی دست می‌برند [...] یکی می‌گوید حتماً مربوط به گلولۀ توپ‌هاست [...] ما هم می‌دانیم که بابایم کور شده، ننه بیشتر کار می‌کند و دل‌دردش بیشتر می‌شود» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۶).

آسیب‌پذیری زن در اینجا تحت تأثیر خشونت جنگ است. «هرگونه آسیب و تخریب محیط‌زیست و منابع طبیعی به هر شکل و طریقی، چه از رهگذر بلایای انسانی همچون

عفریتۀ جنگ و مخاصمات مسلحانه، جایگاه و موقعیت زن را در خانه، خانواده و جامعه را مخدوش می‌سازد و منزلت و حقوق انسانی او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد» (مشهدی و کرمی، ۱۴۰۱: ۱۸۶). خشونت اکولوژیکی در قالب گفتمان قدرت بر ضد زنان در داستان‌های درویشیان به‌صورت مکرر به آن اشاره است که در ادامه مثال‌ها ذکر می‌شود:

«هروقت بابام کار و کاسبی‌اش خوب نیست و خرجی خانه پس می‌افتد، مادرم را کتک می‌زند، گیسوی قشنگ بافته‌شده‌اش را دور دست می‌پیچد و در اتاق می‌گرداند، مادرم مثل گوسفند، چهار دست‌وپا به دنبال پدرم به‌زور کشیده می‌شود و گریه می‌کند ولی صدایش را بلند نمی‌کند که مبادا همسایه‌ها بفهمند» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۵۴).

«مادرم هر وقت صدای سرفۀ بابام را که از بازار می‌آید، می‌شنود رنگش می‌پرد. دماغش باریک می‌شود و دست‌هایش می‌لرزد» (همان: ۵۵).

«من چه بدبختی بودم که به این دنیا آمدم. ای خدا من برای چه چیزت بودم. کاش مادرم به‌جای من گربه می‌زایید و آن گربه خوشبخت‌تر بود» (همان: ۵۶).

همان‌گونه که از شواهد برمی‌آید «قدرت جنسیت‌های زنانه و مردانه در تعامل متفاوت است و موضع گفتمانی مردان برتر از زنان است» (محمدی‌اصل، ۱۳۸۸: ۶۱). در تمامی گفتمان‌های فوق و در پس آنها، جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در میزان خشونت اکولوژیک در برابر زنان نقش بسزایی دارد. همچنین زن در یک هویت برگرفته از جنسیت «در برابر گفتمان غالب، بسیار ضعیف و به نسبت آن از امکانات بسیار کمی برخوردار است» (حسن‌پور و خسروی شعبانی، ۱۴۰۱: ۹۵). به نظر می‌رسد پیوند و ارتباط طبیعت و زن «مظلومیت آن‌ها و کم‌رنگ بودن نقش آن‌ها در نگاه جامعه آن روز است» (پارساپور، ۱۳۹۵: ۹۰). همچنین چنانچه از محتوای مثال‌ها برمی‌آید سلامت جسمی و روانی زن به لحاظ جنسیت وی و به‌عنوان جزئی از این زیست‌کره در خطر است. به‌نحوی که روح و روان وی نه از دیگری، که از هم‌نوع خود به‌شدت در آزار است. به‌گونه‌ای که کودکی که شاهد ماجرا و دعوای والدین خود است و در این بین مادر خویش را مظلوم و بی‌پناه می‌بیند، (مادرم مثل گوسفند، چهار دست و پا به‌دنبال پدرم به‌زور کشیده می‌شود و گریه می‌کند) این موقعیت را در ارتباط با محیط‌زیست و طبیعت ترسیم می‌کند «شخصیت‌ها برای ترسیم موقعیت ترسناک و غم‌آلودی که در آن قرار گرفته‌اند، احوال خود را در پیوند با طبیعت بیان می‌کنند [...] و این متوجه دنیای بیرون و نشان دادن موقعیت و فضای ناامنی است که شخصیت در آن قرار گرفته است» (پارساپور و حسن‌پور، ۱۴۰۱: ۴۹). که در ادامه داستان و در مثال بعدی آرزوی جایگاه

دیگری را در جایگاه غیرانسان دارد. از آفرینش خود شاکی است و غیر از خود در مقام دیگری یعنی گربه را بهره‌مندتر می‌داند. «ثافت» واژه‌ای است جایگزین کلمه زن در زبان کردی به معنای آفریننده «و به‌راستی که زنان، آفریننده و زاینده‌اند، اگر شاد باشند، شادی را، اگر آگاه باشند، آگاهی را و اگر اندوهگین باشند، اندوه را» (مشهدی و کرمی، ۱۴۰۱: ۱۷۵).

۴-۴. گفتمان‌های مخرب و گفتمان‌های دوپهلوی

کار یک زبان‌شناس زیست‌محیطی «تشخیص سازگاری یا عدم سازگاری یک ایدئولوژی خاص با فلسفه زیست‌محیطی است و از نظر آنها ایدئولوژی‌هایی که به شدت مخالف فلسفه چندجانبه زیست‌محیطی است و شایع بوده و در تخریب محیط زیست نقش دارند، باید در برابر آنها مقاومت کرد که گفتمان‌های مخرب و یا دوپهلوی هستند» (استیسی، ۱۳۹۵: ۴۵). به‌صورت برجسته و ملموس، در مجموعه داستانی همراه آهنگ‌های بابام، با گفتمان‌های مخرب جنگ و قاچاق روبرو هستیم.

گفتمان مخرب جنگ، در اولین داستان این مجموعه است، که بقایای آن (گلوله‌های توپ) در کوره منفجر، و علاوه بر آلودگی محیطی، سبب مرگ کارگر، نقص عضو و از کارافتادگی پدر یک خانواده می‌شود که بحث مهاجرت و ترک زیست‌بوم برای امرارمعاش و بقاء پیش کشیده می‌شود.

گفتمان مخرب قاچاق در داستان ظلم‌آباد، مستقیم با خود محیط زیست و پوشش گیاهی در ارتباط است، «بله شنونده عزیز با وجود اینکه امسال برای جلوگیری از پیشروی کویر و حفظ بوته‌ها، بوته چهارشنبه‌سوری وجود نداشت، باین وجود بوته‌های قاچاق، بزم همه مردم را گرم کرد» (درویشیان، ۱۳۸۳: ۳۲).

قاچاق بوته‌ها و چوب، سبب پیشروی کویر و از بین رفتن پوشش گیاهی، و در نتیجه پدیده‌های جوی، تهدید محسوب شده و منفی ارزیابی می‌شوند «افزایش انسان‌ها و رشد کشاورزی و بهره‌وری از منابع طبیعی موجب شد در طول تاریخ تاکنون همواره از وسعت جنگل کاسته شود. در گفتمان علمی و از منظر دانشمندان، نتیجه این تخریب و تحدید مستقیماً بر حیوانات، شرایط جوی، خاک، کیفیت گردش آب در محیط، اثر نهاد و وقتی که کوه‌ها تبدیل به اراضی عریان و بدون پوشش گیاهی شدند آثار مخرب بارندگی‌ها و سیل فزونی یافت» (محسنی، ۱۳۹۵: ۹۲). در همه گفتمان‌ها، انسان دخالت مستقیم داشته و آسیب به طبیعت، بر زندگی و بقای او هم تأثیر بسزایی می‌گذارد. این گفتمان‌های مخرب که از مشکلات زیست‌محیطی به شمار می‌آیند، خشونت علیه

طبیعت و انسان هستند که سبب مرگ و میر، و بعضاً تغییرات اقلیمی می‌شوند. در گفتمان فوق، مسئولین به عنوان مدعیان جانب‌داری از حقوق زیست‌محیطی و طبیعت، درواقع فعالیتی مغایر با سلامت محیط‌زیست و زیست‌بوم داشته و علیه تفکری هستند که سعی در تبلیغ آن دارند به‌جای آن که در برابر گفته‌های خود با رعایت تمام جوانب آن مسئول باشند ولی «محسوس‌ترین مشکل بیان سیاست‌ها که برنامه‌های ویژه برای اقدام عملی را ذکر می‌کنند، اغلب با اصول بوم‌شناختی همخوانی ندارند، بلکه مسیرهای امتحان شده رویه‌های سیاسی گذشته را دنبال می‌کنند» (نیس، ۱۳۹۹: ۱۳۴). (برای جلوگیری از پیشروی کویر و حفظ بوته‌ها، بوته چهارشنبه‌سوری وجود نداشت، باین‌وجود بوته‌های قاچاق، بزم همه مردم را گرم کرد). همچنین در این گفتمان «علل تخریب محیط‌زیست فشار سیاسی و اقتصادی در پشت پرده فعالیت‌های ناپایدار است» (ردکلیفت به نقل از آروین، ۱۳۹۳: ۶۶) که موجب می‌شود در ظلم‌آباد، تغییرات آب و هوایی، سبب بدبختی مردم شود.

«نقب‌ها توی آشورا خالی می‌شدند. زباله‌ها را در آشورا می‌ریختند» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۸).
 «آشورا با بوی مستراح‌هایش ما را در آغوش خودش جای می‌داد» (همان: ۱۱).
 «آشورا جای مردن سگ‌های پیر بود [...] جای پرت کردن بچه گربه‌هایی بود که خواب را به مردم حرام کرده بودند» (همان: ۷).

«دست بردم زیرلجن‌ها و کاویدم. یک ماهی با شکم زرد شلاقه زده» (همان: ۲۰).
 «آشورا با خودش پوست پرتغال می‌آورد. پوست انار می‌آورد. یخ‌های کنارش آب می‌شد. زباله‌ها از زیر برف‌ها بیرون می‌افتادند» (همان: ۴۹).
 «آشورا سیاهی‌های مسیرش را می‌شست و کثیف‌تر می‌شد» (همان).
 «بوی حلیم و روغن و دارچین و هزار بوی خوش دیگر و عاقبت بوی گنداب آشورا» (همان: ۱۰۳).

یک جهت‌گیری منفی نسبت به محتوای انسان‌محور بوده که با زیست‌بوم تضاد دارد. در این گفتمان، یک رابطه مخرب زیست‌محیطی بازنمایی شده است. بحران زیست‌محیطی کنونی، محصول فرهنگ بشری و ناشی از عملکرد وی است «براساس نظریه ویرانگری طبیعت انسان، انسان به‌وسیله میراث ژنتیکی‌اش طوری برنامه‌ریزی شده که چنان خودخواه باشد که خیلی دیر در برابر جهان احساس مسئولیت کند» (ویلسون، ۱۳۹۶: ۲۰۰۹) و تا زمانی که هماهنگی بین زندگان و غیر زندگان وجود نداشته باشد، شاهد یک سیستم زیست‌محیطی سالم نخواهیم بود. گفتمان‌های مخرب فوق تا زمان درک میزان

تأثیر ما بر طبیعت ادامه خواهد داشت. بوکچین «ریشه غلبه انسان بر طبیعت را در غلبه انسان بر انسان می‌داند و از آن به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی یاد می‌کند و به عقیده وی این تسلط و غلبه، منجر به بحران زیست‌محیطی می‌شود. همچنین وی تخریب طبیعت را ناشی از بیگانگی انسان از طبیعت می‌داند. به همین سبب باید استثمار طبیعت جای خود را به محافظت از طبیعت بدهد» (بوکچین به نقل از تقوی، ۱۳۹۱: ۵۳). در گفتمان‌های مخرب فوق، دلایل اجتماعی و اقتصادی تأثیر بسزایی در به‌وجود آمدن مشکلات محیط‌زیستی و رفاهی انسان دارد. «از نظر زبان‌شناسی زیست‌محیطی مهم‌ترین گفتمان‌هایی که باید در برابر آنها مقاومت کرد. آن‌هایی هستند که ایدئولوژی‌هایشان به‌شدت مخالف فلسفه چندجانبه زیست‌محیطی است؛ یعنی در تخریب محیط‌زیست نقش دارند و بسیار هم شایع‌اند، این گفتمان‌ها همان گفتمان‌های مخرب می‌باشند... رشد نامحدود یک سیاره محدود، تنها منجر به فرسایش منابع و ویرانی اکوسیستم‌های حامی زندگی می‌شود» (استیبی، ۱۳۹۵: ۴۶).

«روزهای جمعه دوچرخه و تفنگش را برمی‌داشت و می‌زد به دشت و صحرا. غروب چنین روزهایی در حیاط ما زده می‌شد. یک دست تا آرنج با دوتا قمری یا گاهی کبک از گوشه در به میان حیاط دراز می‌شد [...] از زیر پر، پوست‌های پر از ساچمه‌شان پیدا بود» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۷۸). حاوی یک رابطه و گفتمان مخرب زیست‌محیطی بوده که در تضاد با تنوع، تعامل و همزیستی است. «امروز فرهنگ هر جامعه‌ای با میزان احترامی که برای حیات و امنیت جانوران قائل است و با میزان سهمی که در حفاظت از محیط‌زیست دارد اندازه‌گیری می‌کنند» (رادمنش، ۱۳۹۴: ۷۴). درواقع، هرگاه گفتمان‌ها با واقعیت زیست‌محیطی در تضاد باشند، منجر به شکل‌گیری گفتمان مخرب می‌گردند. البته باید در نظر داشت وضعیت خانوار و میزان فقر آنها برای تمایل به شکار تأثیرگذار است. «عوامل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در میزان شکار در یک منطقه مؤثر است [...] هر مقطع زمانی که شرایط اقتصادی بهتر بوده، میزان شکار کمتر شده. بنابراین اقتصاد منطقه، حتی به‌صورت مقطعی بر موضوع شکار اثر می‌گذارد» (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶). در اصل «وقتی جاننداری را می‌کشیم، درختان جنگلی را قطع می‌کنیم، یا طبیعت را تخریب می‌کنیم [...] درواقع جزئی از زیست‌گرایی خود را تجلی می‌بخشیم» (ویلسون، ۱۳۹۶: ۱۳).

«نقب‌ها توی آشورا خالی می‌شدند. زباله‌ها را در آشورا می‌ریختند» (درویشیان، ۱۴۰۰: ۸).

انعکاسی از اثرگذاری رفتار انسان بر طبیعت در سایه بی‌تدبیری و عدم چاره‌اندیشی مسئولان شهری جهت دفع پسماندها است «دولت‌هایی که تمرکزشان بر روی منافع کوتاه‌مدت مربوط به انسان‌ها است، اجازه نمی‌دهند گفتمان‌های زیست‌محیط‌محور شکل بگیرند؛ زیرا این گفتمان‌ها مردم را تشویق به استفاده از گفتمان‌هایی می‌کنند که آسیب کمتری به محیط‌زیست می‌رسانند اما درعین حال قطعاً با اهداف دولت‌ها در تضادند؛ بنابراین گفتمان‌های سبز رایجی که از برخی جوانب، مطابق با فلسفه زیست‌محیطی تحلیلگر هستند و از سوی دیگر به لحاظ بعضی جنبه‌های دیگر در برابر آن قرار می‌گیرند، گفتمان‌های دوپهلوی محسوب می‌شوند» (استیپی، ۱۳۹۵: ۵۲).

در عبارت ذکرشده از متن داستان، یک گفتمان مخرب دوپهلوی وجود دارد: رودخانه آشورا به‌عنوان یک شیء و منبع نشان داده‌شده که به‌راحتی مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. «در حال حاضر ملل صنعتی بیشتر به ایجاد محل‌ها و سکونتگاه‌های بدون هویت و کاراکتر تمایل دارند؛ مجموعه‌هایی که فاقد هرگونه شخصیت خاص یا روحیه متمایز است. در بیشتر موارد جامعه مدرن در راستای تخریب و انهدام تنوع غنی موجود در فضاها و مکان‌های گذشته گام بر می‌دارد درحالی‌که آنها را با مکان‌های یکنواخت و کارا جایگزین نموده که هیچ نوع ردپایی از جاذبه، تنوع و تاریخ در آنها دیده نمی‌شود. مکان‌هایی فاقد معنی و تجربه!» (پرتوی، ۱۳۹۴: ۱۰۹). درواقع در گفتمان فوق، از رودخانه آبشوران به‌عنوان یک راه‌حل کوتاه‌مدت و مخرب برای دفع زباله استفاده شده که راه‌حل غیراساسی بوده و با طبیعت و حفاظت از آن مغایر و با فلسفه زیست‌محیطی مخالف است. «گستاخی انسان در تعرض به حریم طبیعت در حد تغییر نبوده، بلکه به نابودی آن کمر بسته و خودخواهانه زیبایی‌ها و زیستگاه‌ها را از بین برده است» (پارساپور، ۱۳۹۲: ۱۷).

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، دو مجموعه داستان «آبشوران» و «همراه آهنگ‌های بابام» اثر آثار علی‌اشرف درویشیان، براساس نقد بوم‌گرایانه در قالب شاخصه‌های «ایدئولوژی و گفتمان»، «گفتمان قدرت» و «گفتمان‌های مخرب و گفتمان‌های دوپهلوی» مورد ارزیابی قرار گرفت. بر اساس داده‌های این پژوهش می‌توان گفت:

- مؤلفه‌های «ایدئولوژی و گفتمان» در نظریه بوم‌گرایی نقش بسزایی ایفا می‌کنند. هیچ روایتی خالی از ایدئولوژی نیست و چه مستقیم و چه غیرمستقیم بر ذهن و زبان نویسنده یا راوی تأثیر می‌گذارد؛ مثلاً: زمانی که درویشیان در قسمتی از

مجموعه داستان «همراه آهنگ‌های بابام» برای بیان ایدئولوژی خود به جهان طبیعت، گریز می‌زند و به قصه «ماهی سیاه کوچولو» اشاره می‌کند. البته دیدگاه‌های چپ‌گرایانه بهرنگی و درویشیان هم در این امر، بی‌تأثیر نبوده است؛ یعنی ایدئولوژی مشترک سیاسی هر دو تقریباً باعث شکل‌گیری زبانی مشترک شده است. در قصه‌ها، عناصر زیست‌بومی، عناصری ثابت و مشخص هستند و در چرخه روایت، نقشی پایه‌ای برعهده دارند. در هر دو قصه، طبیعت نقش یک نجات‌دهنده را ایفا می‌کند.

- در ارتباط با گفتمان قدرت، در این داستان‌ها نقش خشونت اکولوژیکی علیه زنان را می‌توان بیان کرد که به‌طور آشکارا یا ضمنی، نقش طبیعت یا بحران‌های طبیعت را بر زندگی و روان زنان داستان نشان می‌دهد. در این داستان‌ها، زمانی که زیست‌بوم و کشاورزی که زندگی روستایی وابسته به آن است، در اثر استفاده بیش‌ازحد، بهره‌وری خود را از دست داده است، نقش مردان در تأمین معاش خانواده کم‌رنگ می‌شود و زنان به‌عنوان نیروی پشتیبانی و درواقع به‌عنوان نیروی اصلی، علاوه بر کارهای معمول مراقبت از فرزندان و خانواده، هم باید فشار مضاعف تأمین معاش را با استفاده از کارهای کوچک اما طاقت‌فرسا مثل قالببافی و رخت‌شویی و... انجام دهند و هم عصبانیت مردانی را تحمل کنند که احساس می‌کنند نقش مردانه آنها در خانواده به‌خاطر بی‌پولی کم‌رنگ شده است. جنگ هم به‌عنوان نوعی از گفتمان قدرت کشوری علیه کشور دیگر، در سطحی گسترده، زندگی زنان و کودکان را به‌خاطر محدودیت‌هایی که دارند، بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. از بین رفتن مردان به‌عنوان پناه و نان‌آور خانواده باز هم بار مضاعفی را برای زنان ایجاد می‌کند که شکل‌گیری زنانی خسته و تنها و ناتوان در تأمین مخارج زندگی رهاورد گفتمان قدرت خارجی بر روح و زندگی زنان است.

- «گفتمان‌های مخرب و گفتمان‌های دوپهلو» از دیگر مؤلفه‌های زیست‌محیطی هستند که در شکل‌گیری گفتمان‌های وابسته به آن نقش مؤثری دارند؛ مثلاً: در مجموعه داستانی *همراه آهنگ‌های بابام*، با گفتمان‌های مخرب جنگ و قاچاق روبرو هستیم؛ که هر دو به‌صورت وسیع و بی‌رحمانه تأثیر منفی مستقیم بر زیست‌بوم و درنتیجه زندگی انسان‌ها دارند.

منابع

- اروین، آلن. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی و محیط زیست*. ترجمه صادق صالحی و ناهید کاظم‌زاده گنجی، مازندران: دانشگاه مازندران.
- استیبی، آرن. (۱۳۹۵). *زبان‌شناسی زیست‌محیطی*. گروه مترجمان به سرپرستی فردوس آقاگل‌زاده، تهران: نویسه پارسی.
- امن‌خانی، عیسی و عایشه خواجه. (۱۳۹۵). «ادبیات کودک و ایدئولوژی‌های معاصر». *فصلنامه علمی - پژوهشی زبان و ادبیات فارسی*، ۴۲، ۱۶۶ - ۱۳۹.
- باشلار، گاستون. (۱۳۹۴). *آب و رؤیاها*. ترجمه مهرنوش کی‌فرخی، آبادان: پرش.
- بنسون، جان. (۱۳۸۲). *اخلاق محیط زیست: مقدمات و مقالات*. ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- جمعی از مؤلفان. (۱۳۹۲). *درباره نقد بوم‌گرا*. گردآوری، مقدمه و ویرایش زهرا پارساپور، ترجمه عبدالله نوروزی، حسین فتحعلی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارساپور، زهرا. (۱۳۹۲). *نقد بوم‌گرا*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارساپور، زهرا. (۱۳۹۵). *ادبیات سبز*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارساپور، زهرا و هیوا حسن‌پور. (۱۴۰۱). «تقدس و هویت‌یافتگی شخصیت در سایه طبیعت، پیوند شخصیت و طبیعت در رمان سوران سرد». *دوفصلنامه روایت‌شناسی*، ۶، (۱۱)، ۶۳ - ۳۷.
- پالتریج، برایان. (۱۳۹۶). *درآمدی بر تحلیل گفتمان*. ترجمه طاهره همتی، تهران: نشر نویسه پارسی.
- پرتوی، پروین. (۱۳۹۴). *پدیدارشناسی مکان*. تهران: فرهنگستان هنر.
- تیلور، استفنی. (۱۳۹۷). *تحلیل گفتمان چیست*. ترجمه عرفان رجبی و پدram منیعی، تهران: نویسه پارسی.
- حسن‌پور، هیوا و تورج خسروی شعبانی. (۱۴۰۱). «بازنمایی گفتمان قدرت و جایگاه سوژه در رمان مرد گرفتار از محمود کیانوش». *نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز*، ۷۵، (۲۴۶)، ۲۹۶ - ۲۶۳.
- خراسانی، محبوبه و فریده داودی‌مقدم. (۱۳۹۸). «طبیعت در قصه‌های عامیانه ایرانی از دیدگاه نقد بوم‌گرا». *فنون ادبی*، ۱۱، (۲)، ۸۴ - ۶۹.
- درویشیان، علی‌اشرف. (۱۳۸۳). *همراه آهنگ‌های بابام*. تهران: نشر چشمه.
- درویشیان، علی‌اشرف. (۱۴۰۰). *آبشوران*. تهران: نشر چشمه.
- رادمنش، محمد. (۱۳۹۴). *جنایت علیه محیط زیست*. تهران: ایرانیکا.
- سلیمی کوچی، ابراهیم. (۱۴۰۱). *ادبیات و دفاع از سیاره زمین*. تهران: خاموش.
- سمیعی، عنایت. (۱۳۸۸). *نقد آگاه در بررسی آراء و آثار: مجموعه مقالات*. تهران: آگاه.
- عکاشه، سمیر. (۱۳۹۹). *فلسفه زیست‌شناسی*. ترجمه کاوه فیض‌اللهی، تهران: فرهنگ نشر نو.

- قاسم‌زاده، سیدعلی. (۱۳۹۵). «کیفیت بیداری قهرمان درون در داستان ماهی سیاه کوچولو». مجله ادبیات پارسی معاصر، ۶، (۳)، ۷۵ - ۵۵.
- قاسمی‌پور، قدرت و آرش آذرپناه. (۱۳۹۴). «داستان کوتاه تمثیلی در ادبیات معاصر ایران». فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ۱۲، (۴۷)، ۶۸ - ۳۷.
- کرمانی نصرآبادی، محسن و ابوالفضل دلاوری. (۱۳۹۵). «از ایدئولوژی تا گفتمان: سوژه، قدرت و حقیقت». فصلنامه علوم/اجتماعی، ۲۳، (۷۴)، ۱۴۸-۱۱۱.
- مشهدی، علی و موسی کرمی. (۱۴۰۱). «خشونت اکولوژیک علیه زنان تأملی حقوقی بر تأثیر تخریب محیط‌زیست بر افزایش خشونت علیه زنان». دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، ۲۷، (۷۶)، ۱۹۱ - ۱۶۹.
- نیس، آرنه. (۱۳۹۹). بوم‌شناسی/اجتماع و سبک زندگی. ترجمه نسترن خسروی، تهران: بان.
- وودز، نیکلا. (۱۳۹۶). توصیف گفتمان. ترجمه سیدمحمدباقر برقی، مریم نخعی و آمنه عرب‌زاده، تهران: نویسه پارسی.
- ویلسون، ادوارد. (۱۳۹۶). در جست‌وجوی طبیعت: غریزه زیست‌گرایی. ترجمه کاوه فیض‌اللهی، تهران: فرهنگ نشر نو.